

بازنمایی و مدیریت رسانه‌ای بحران در بحرین: تحلیل گفتمان نشریات عربی‌زبان کشورهای حاشیه خلیج فارس (از ۷ مارس تا ۸ ژوئن ۲۰۱۱)

حسن بشیر*

محمدتقی تفرجی شیرازی**

چکیده

زمانی که جریان بیداری اسلامی در ابتدای سال ۲۰۱۱ به اوج خود رسید، مردم بحرین نیز هم‌سو با این جریان به اعتراضاتی گسترده مبادرت کردند که دخالت نظامی حکومت حاکم به کمک نیروهای شورای همکاری خلیج فارس باعث گسترش و تعمیق این اعتراضات و تبدیل آن به بحران شد. در این میان، رسانه‌های کشورهای عربی‌زبان حاشیه خلیج فارس نیز با در نظر گرفتن گفتمان حاکم‌بر کشورهای خود به بازنمایی و مدیریت این بحران پرداختند. از این‌رو در مقاله حاضر، تلاش شده است تا گفتمان آن‌ها در قالب نحوه بازنمایی موضوع پیش‌رو بررسی شود. به همین منظور با تکیه بر روش تحلیل گفتمان ۱۸ یادداشت تحلیلی از مجموع ۸ نشریه نمونه‌گیری شده و در مدتی معین بررسی شده است. در نهایت، حاصل این بررسی به کشف «راهبرد اتخاذشده» و «نحوه بازنمایی بحران» در بحرین توسط رسانه‌ها و نیز ارائه مدل مربوطه منجر شد.

کلیدواژه‌ها: بحرین، بازنمایی، مدیریت رسانه‌ای بحران، نشریات عربی‌زبان کشورهای حاشیه خلیج فارس، تحلیل گفتمان.

* دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) (نویسنده مسئول) drhbashir100@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد فرهنگ و ارتباطات مطالعات سیاست‌گذاری دانشگاه امام صادق (ع)

tafaraj@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۹/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۱۱/۲

۱. مقدمه

جهان امروز بر اثر انقلاب ارتباطات و گسترش رسانه‌ها به گونه‌ای به هم پیوسته شده است که بحران کوچکی در یک منطقه از آن تأثیرات بسیاری در نقاط دیگر دارد (Rithchie, 2004: 669). رسانه‌های جمعی جزء جدایی‌ناپذیر بحران‌ها شده‌اند و برخی حتی بر این باورند که یک مسئله زمانی به بحران تبدیل می‌شود که در کانون توجه رسانه‌ها قرار گیرد (Williams and Oliniranb, 2002: 293). رسانه‌های جمعی به واسطه قابلیت و کارکردهایی چون اطلاع‌رسانی، آموزش، و مهم‌تر از همه فرهنگ‌سازی می‌توانند در بحران‌ها نقشی بی‌بدیل ایفا کنند. بر این اساس،

اگر مدیریت بحران تدابیری باشد که یک جامعه یا دولت برای استفاده از کلیه منابع در دسترس به منظور حفظ ثبات مورد نظر خود اتخاذ می‌کند. در نتیجه، یکی از منابعی که همواره مورد نظر سیاست‌گذاران جامعه قرار می‌گیرد، رسانه‌ها هستند که به‌مثابه ابزار واسط حکومت و بدنه جامعه، نقش مهمی در این زمینه دارند (روشندل اربطانی، ۱۳۸۷: ۱۵۱).

این نقش در کشورهای حاشیه خلیج فارس بسیار برجسته است به نحوی که در اکثر این کشورها «تبلیغات رسانه‌ای رسمی، کلاً در اختیار دولت‌هاست و به طور مداوم از طریق آموزش‌ها و خط‌دهی‌های روزانه در رسانه‌های تابع انعکاس می‌یابد» (مشیخی، ۱۳۸۹: ۵۲۴). به همین دلیل، می‌توان گفت که دیپلماسی رسانه‌ای حاکم‌بر این رسانه عملاً در راستای سیاست‌های دولت‌های آنان است.

یکی از موارد این نوع خط‌دهی رسانه‌ای گفتمانی است که اکثر رسانه‌های جمعی کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در قبال «جریان بیداری اسلامی» در بحرین اتخاذ کرده‌اند. اتخاذ این گفتمان از آن‌جا نشئت می‌گیرد که رسانه‌های مذکور «همگی دارای خطوط قرمزی هستند که نه توسط ارزش‌های واقعی چون صداقت، بی‌طرفی، و یا دین بلکه توسط مؤسسات یا صاحبان این رسانه‌ها تعیین می‌شود» (همان: ۵۲۵).

در پایان تأکید بر این نکته ضروری می‌نماید که اراده ما از «جریان بیداری اسلامی» همانا جریانی است که مختصات آن از منظر مطرح‌کننده و پشتیبان اصلی گفتمان آن، یعنی مقام معظم رهبری، بدین شرح است:

۱. ماهیت: مردمی، اسلامی، ضد امریکا، و صهیونیست (<http://farsi.khamenei.ir>)

سخن‌رانی ۱۳۹۰/۲/۱۴.

۲. ریشه‌های اصلی: احساس تحقیر در برابر قدرت‌های استعماری (همان: ۱۳۸۹/۱۲/۲) و کرامت‌طلبی امت اسلامی (همان: ۱۳۹۰/۴/۹).
۳. وضعیت حال و آینده: دامنه‌دار، پیش‌رونده، و نتیجه‌بخش در دو سطح:
 - الف) سرایت «جریان بیداری» به سایر کشورهای غیراسلامی (همان: ۱۳۹۰/۲/۱۴)؛
 - ب) حاکمیت اسلام و تشکیل قطب قدرت اسلامی در خاورمیانه (همان: ۱۳۸۸/۱۲/۸).
۴. الگوی مورد توجه: انقلاب و جمهوری اسلامی ایران (همان: ۱۳۹۰/۵/۲۴).

۲. طرح مسئله

با توجه به وضعیت حاکم‌بر کشور بحرین، دخالت و جانب‌داری قدرت‌های تأثیرگذار منطقه از حکومت بحرین علیه مردم این کشور، چه به صورت کمک‌های مادی و نظامی و چه به صورت هم‌سوایی رسانه‌ای با حکومت بحرین، بیان‌گر مسئله‌ای جدی در منطقه است. مسئله‌ای که اگر به‌درستی مدیریت و رفع نشود، باعث برهم‌خوردن توازن قدرت در منطقه خواهد شد. بنابراین، اگرچه اعتراضات مردمی در بحرین سابقه‌ای فراتر از قدمت جریان بیداری اسلامی دارد، هم‌زمانی اعتراضات مردمی با این جریان، کشور بحرین را هم‌چون سایر کشورهای مشابه دچار بحران می‌کند. بحرانی که خوشایند حکومت بحرین و سایر حکومت‌های هم‌سو با آن نیست.

آن‌چه در این مقاله موضوع بحث است، نقش واسطه‌گری رسانه‌ها در جریان «بیداری اسلامی» در مورد کشور بحرین است. چراکه بررسی‌ها به‌وضوح نمایان‌گر این نکته است که چگونه رسانه‌های جمعی به یکی از مهم‌ترین بازیگران اصلی در عرصه سیاست درآمده است و بحران‌های کنونی را از طریق استفاده از یک گفتمان بازنمایی می‌کند و درنهایت آن را به سمت و سویی سوق می‌دهد. بر این اساس، دو پرسش اصلی مطرح می‌شود:

۱. آیا تقابل ایجادشده میان مردم و حکومت بحرین، در جریان بیداری اسلامی، نوعی بحران به‌شمار می‌رود؟
۲. در صورت وجود بحران در بحرین (بیداری اسلامی)، رسانه‌های مورد بررسی چگونه درصدد بازنمایی و مدیریت آن برآمدند؟

۳. کلیات

۱,۳ کشور بحرین و بیداری اسلامی

بحرین، با وسعت ۶۷۸ کیلومتر مربع و با جمعیتی معادل ۷۰۰ هزار نفر، کوچک‌ترین کشور خلیج فارس است (کوشکی و ناظم‌پور، ۱۳۸۹). در سرشماری سال ۲۰۰۱ حدود ۸۱/۲ درصد کل جمعیت بحرین، به همراه اتباع و مهاجران، مسلمان اعلام شد که حدود ۷۰ درصد جمعیت این کشور را شیعیان تشکیل می‌دادند که پس از ایران، عراق، و جمهوری آذربایجان، بحرین چهارمین مرکز شیعی در جهان اسلام است (www.ir/articles). این کشور «از نظر اقتصادی به عربستان سعودی وابستگی زیادی دارد؛ این دو کشور از سال ۱۹۸۶ از طریق راه آبی با هم در ارتباط هستند» (کوشکی و ناظم‌پور، ۱۳۸۹: ۱۶۲). اتباع غیر بومی بحرین اکثراً از کشورهای ایران، هند، پاکستان، انگلیس، آمریکا، مصر، و سایر کشورها هستند که در این میان، اتباع کشورهای غربی که عمدتاً مهندسان، نمایندگان بانک‌ها و شرکت‌های تجاری و صنعتی را تشکیل داده و زندگی مرفهی دارند، نبض امور اقتصادی و فنی بحرین را در دست دارند (سیف افجه‌ای، ۱۳۷۶: ۱۲).

از طرفی «سیاست خاندان حکومت بحرین مبتنی بر دادن تابعیت بحرینی به مهاجران سنی‌مذهب کشورهای دیگر به منظور برهم‌زدن توازن جمعیتی» (کوشکی و ناظم‌پور، ۱۳۸۹) باعث نارضایتی مردم بحرین شده است، به طوری که «نارضایتی مردم بومی بحرین نسبت به حکومت در مقابل درپیش‌گرفتن سیاست تشمت قومی و دادن مناصب مهم به غیربومیان توسط حکومت بحرین دو دلیل عمده دارد؛ اول این‌که خاندان آل‌خلیفه بومی بحرین نیستند، بلکه از اقلیت سنی‌مذهب مهاجری هستند که در پی اختلافات مذهبی از کویت وارد بحرین شدند. دوم این‌که به قدرت رسیدن آل‌خلیفه بر اساس خواست و رضایت مردم صورت نگرفت، بلکه آل‌خلیفه پس از مرگ شیخ نصرالله خان، حاکم وقت بحرین، و در قبال دو شرط پرداخت مالیات به دولت ایران و باقی‌ماندن در تحت‌الحمایگی ایران قدرت بحرین را در دست گرفته و با پذیرش تحت‌الحمایگی انگلیس در سال ۱۸۲۰م قدرت خود را حفظ کرده است» (سدید السلطنه، ۱۳۷۰: ۱۶۰). به همین علت، وقوع جریان بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه و کشورهای شمال آفریقا به‌مثابه بارقه‌ای از امید بود تا بار دیگر مردم بحرین بتوانند هم‌سو و همراه با این جریان برای احقاق حقوق خود مصمم‌تر شوند. حقوقی از جمله ایجاد تغییرات سیاسی، آزادی فعالان، توقف اعطای تابعیت سیاسی، و آزادی زندانیان (www.abna.ir: ۱۳۸۹/۱۱/۲۶).

۲,۳ ادبیات نظری

۱,۲,۳ بازنمایی

مفهوم بازنمایی (representation) از مفاهیم مهم در مطالعات رسانه‌ای است. این مفهوم به بحث‌های مربوط به نمایش واقعیت مربوط است؛ زیرا سعی بسیاری از متون بر این است که واقعی به نظر رسند، اما آنچه ما در نزد خود واقعی می‌پنداریم، خارج از بازنمایی نیست. این موضوع جدای از امور واقعی و تجربی‌ای است که در جهان اطراف ما روی می‌دهد. به دیگر سخن، منظور از آن چیزی است که ما در داوری شخصی و جمعی خود در حکم واقعیت می‌پذیریم یا رد می‌کنیم. بنابراین اشیا، افراد، رویدادها، و پدیده‌ها برای این‌که به واقعیت تبدیل شوند، باید به شکل بازنمایی درآیند و این کار از طریق ورود آن‌ها به عرصه زبان ممکن می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۰: ۱۲۱).

سه رهیافت نحوه بازنمایی از راه زبان را پوشش می‌دهد. رهیافت بازتابی (reflective)، رهیافت تعمدی (intentional) و رهیافت برساخت‌گرا (connotation). در رهیافت بازتابی تصور می‌شود که معنا در جهان وجود دارد و زبان همانند آئینه‌ای آن را برمی‌تابد که استوارت هال نیز بر آن تأکید می‌کند (Web, 2009). رهیافت تعمدی بر آن است که مؤلف معنای منحصر به فرد خود را از راه زبان تحمیل می‌کند. دیدگاه برساخت‌گرا نیز بر ماهیت عمومی و اجتماعی زبان تأکید می‌کند. بر اساس این دیدگاه، این جهان مادی نیست که حاوی و ناقل معناست، بلکه سیستم زبان است که ما برای ارائه مفاهیم خود از آن استفاده می‌کنیم. رهیافت برساخت‌گرا دو رویکرد را دربر دارد:

الف) رویکرد نشانه‌شناختی: به این توجه می‌کند که بازنمایی و زبان چگونه معنا تولید می‌کنند.

ب) رویکرد گفتمانی: به تأثیرات و پیامدهای بازنمایی و سیاست‌های آن توجه دارد و بر خاص بودن تاریخی یک شکل یا رژیم خاص بازنمایی تأکید می‌کند (مهدی‌زاده، ۱۳۸۷). بنابراین از آن‌جا که این مقاله به دنبال پیامدهای بازنمایی و تأثیرات آن در قبال موضوع بحران در بحرین است، رویکرد ما رویکرد گفتمانی خواهد بود، اما پیش از ورود به مباحث این رویکرد و نیز روش مورد استفاده در چهارچوب این رویکرد، پرداختن به مبانی نظری بحران در بحرین ضروری می‌نماید؛ چراکه موضوع محوری این مقاله بحران و نحوه بازنمایی آن در کشور بحرین است.

۲,۲,۳ تعریف بحران (crises)

اگرچه از لحاظ زبان‌شناسی واژه «بحران» کم و بیش معنی واضح و مشخصی دارد، تاکنون گفتمان و ادبیات واحد و شفافی درباره آن شکل نگرفته است و ارائه تعریفی مشخص و قابل اجماع را از مفهوم بحران ناممکن می‌کند. به بیان چارلز مک کلند (Mc Clelland) در ۵۰ سال گذشته، از منظرهای گوناگون درباره بحران بسیار مطالعه و تحقیق شده است، اما چنین تلاش‌هایی نه فقط به ارائه تعریفی شفاف از این مفهوم کمک نکرده، بلکه دلالت‌های آن را پیچیده‌تر کرده است (Robert, 1988: 9). ویلیامز نیز تأکید می‌کند: «به‌ندرت از واژه دیگری، هم‌چون واژه 'بحران'، انتظار می‌رود معانی بسیاری را حمل و اهداف بسیاری را پوشش دهد» (Williams, 1979: 19).

واژه بحران استفاده‌های مختلفی در موقعیت‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سازمانی، و طبیعی دارد، اما آنچه در این مقاله مقصود ماست، مفهوم بحران در حوزه سیاسی و نحوه تعامل آن با رسانه‌ها خواهد بود. بنابراین در تعاریف سعی شده است تا تعریف و مصادیق این واژه از کتاب‌ها و فرهنگ‌نامه‌های مرتبط استخراج شود:

تعریف ۱:

بحران عبارت است از وجود بالقوه و بالفعل وضعیتی که بتواند در سطح داخلی یا خارجی، دولت یا کشوری را با یک خطر بزرگ نظیر: وقوع کودتا، تغییر حکومت، بروز جنگ داخلی، منطقه‌ای، و یا بین‌المللی در مورد دولت‌های بزرگ مواجه سازد (شه‌وری، ۱۳۷۵: ۴).

تعریف ۲:

بحران، تضاد و تعارضی بین‌المللی و آن‌چنان حاد است که دولت‌ها را از احتمال به وقوع پیوستن یک جنگ نگران می‌سازد. که البته می‌تواند منشأهای گوناگونی داشته باشد، اما با وجود این تمام بحران‌ها [در این امر مشترک‌اند که] باعث تمرکز سیاست بر روی یک مسئله می‌شوند (Berridge and Alanjames, 2001: 56).

تعریف ۳:

بحران انواع مختلفی چون جنگ، کودتا، سقوط یک دولت، تظاهرات خشونت‌آمیز خیابانی، خیزش‌های اجتماعی، بحران اقتصادی در سطح جهانی، بروز اشتباه در تأسیسات هسته‌ای، و فاجعه‌های زیست‌محیطی چون نشت نفت خام در دریا و ... دارد (صلواتیان، ۱۳۸۹: ۳۰).

بر اساس این تعاریف، می‌توان تعریفی پیشنهادی و متناسب با موضوع مورد بحث ارائه کرد که جامع تعاریف مذکور است. بدین ترتیب، بحران سیاسی عبارت است از وجود بالقوه یا بالفعل وضعیتی که بتواند در سطح داخلی، خارجی، یا بین‌المللی، دولت یا کشوری را با مسئله‌ای جدی روبه‌رو کند و باعث تمرکز سیاست کشور مذکور بر روی آن شود. این مسائل می‌توانند شامل موارد ذیل باشند: وقوع کودتا، سقوط یک دولت، بروز جنگ داخلی، منطقه‌ای، و یا بین‌المللی، تظاهرات خشونت‌آمیز خیابانی و خیزش‌های اجتماعی. بر پایه این تعریف، وجود موارد مذکور خواه بالقوه و خواه بالفعل در بحرین حکایت از وجود بحران در این کشور خواهد داشت.

۳،۲،۳ انواع بحران

آن‌چه درباره اعتراضات و قیام مردم بحرین می‌توان با توجه به ادبیات نظری بحران مطرح کرد، دو نوع بحران است: الف) بحران هویت، ب) بحران مشروعیت.

بحران هویت و مشروعیت بحران‌های فرهنگ سیاسی هستند؛ زیرا این دو تعیین‌کننده نحوه نگرش مردم به سیاست، دیدگاه آنان نسبت به قدرت، و برداشت آنان نسبت به نقش واقعی حکومت بوده و همین‌ها هستند که جوهره و میزان وفاداری آنان به نظام مربوطه را تشکیل می‌دهند (پای و دیگران، ۱۳۸۰: ۱۶۱).

الف) بحران هویت: چهار شکل اصلی دارد. اولین نوع بحران مزبور مربوط به احساسات سرزمینی و رابطه فضای جغرافیایی و احساسات ناسیونالیستی است. دومین شکل آن وقتی رخ می‌دهد که ساختار اجتماعی، به‌ویژه تقسیمات طبقاتی، چنان گسترش یابد که مانع وحدت ملی کارآمد شود. سومین صورت آن با تعارض بین هویت‌های قومی یا دیگر هویت‌های فروملی (sub national) و تعهد به یک هویت ملی مشترک سروکار دارد. چهارمین شکل بحران هویت بر اثر پیامدهای روان‌شناسانه، تغییر اجتماعی سریع، و احساسات دوگانه به بیگانگان ایجاد می‌شود. ما به طور قراردادی فروپاشی‌هایی را که بر اثر تقسیمات عمیق ایدئولوژیکی ایجاد می‌شوند، از مقوله بحران‌های هویت مستثنا کرده‌ایم و این بحران مربوط به بخشی از بحران مشروعیت است هرچا که مرزبندی‌ها بر مبنای معتقدات بنیادین و تمایزات اعتقادی از قبیل تقسیمات مذهبی رخ می‌دهد، می‌توانیم این تقسیمات را همانند بحران‌هایی هویتی بدانیم که در راستای خطوط قومی یا فروملی ایجاد می‌شوند (همان: ۱۷۱).

ب) بحران مشروعیت: بحران مشروعیت از هر وجهی که به آن نگرسته شود برای ارجاع به وضعیتی به کار می رود که در آن اجماع بر سر حقانیت مبانی حاکمیت، مطلوبیت شیوه زمام‌داری، و مقبولیت زمام‌داران شکسته می شود. در چنین شرایطی، جامعه دچار چندگروهی و از هم گسیختگی می شود و گروه حاکم با فراهم شدن زمینه‌های عدم تمکین بر قوانین حکومتی مجبور می شود تا با گروه‌های رقیب مدعی قبضه اقتدار به رقابت و حتی ستیز پردازد (نوروزی و دیگران، ۱۳۸۲: ۵۲).

علت اصلی بحران مشروعیت این واقعیت است که نشانه‌های خاص توسعه همواره میزان درک تعداد بیش تری از مردم را بالا می برد و بنابراین دقت و حساسیت مردم را در یافتن راه‌هایی غیر سنتی برای انجام دادن امور روزمره در تمامی مراحل زندگی افزایش می دهد. لذا از حیث روان‌شناسی، فرایندی فزاینده است؛ زیرا مردم بی‌وقفه می آموزند که برای زندگی محدودیت‌های بی‌قید و شرط کم تری وجود دارد. اطلاع از جایگزین‌ها مبین نیاز به انتخاب است و انتخاب لزوم وجود معیارهایی را برای سنجش کارآمد مطرح می سازد. بنابراین مهم شمردن جایگزین‌ها نقطه شروع عقلانیت و نقطه آغاز جست‌وجو برای معیارهای غیر عرفی اقتدار است (پای و دیگران، ۱۳۸۰: ۲۰۹).

۴,۲,۳ مدیریت بحران و رسانه‌ها

مدیریت بحران عبارت است از «اداره و هدایت یک بحران توسط دیپلماسی که به طور معمول به منظور تعدیل یا خاموش کردن بحران به کار می رود» (Berridge and Alanjames, 2001: 56).

علاوه بر تعریف، کارشناسان مدیریت بحران برای درک و مدیریت درست بحران‌ها دسته‌بندی‌هایی از انواع بحران‌ها را ارائه کرده‌اند که در کل می‌توان آن‌ها را در دو طبقه تک‌شاخصه و چندشاخصه جای داد:

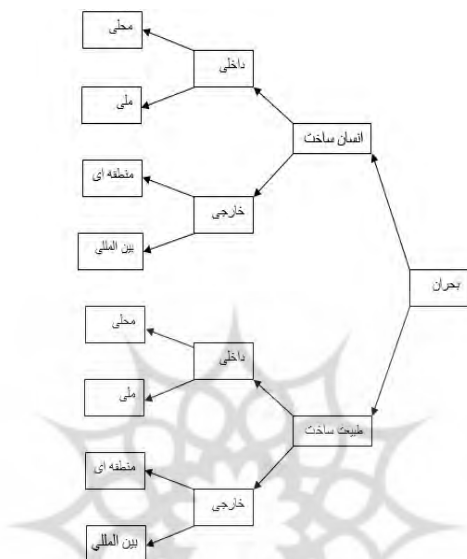
الف) بحران‌های تک‌شاخصه بر اساس معیارهایی چون:

- موضوع: مانند بحران‌های سیاسی، اجتماعی، و اقتصادی؛
- گستردگی: مانند محلی، ملی، فراملی - منطقه‌ای، و بین‌المللی؛

ب) بحران‌های چندشاخصه بر اساس معیارهایی چون:

- داخلی و خارجی و فنی و اجتماعی: که به این ترتیب می‌توان چهار نوع از بحران‌های فنی داخلی، فنی خارجی، اجتماعی داخلی، و اجتماعی خارجی را از هم جدا کرد (Mitroff and Shrivastava, 1978: 18).

- ماهیت بحران (انسان‌ساخت یا طبیعت‌ساخت) و شعاع فراگیری بحران (محلی، ملی، منطقه‌ای، یا بین‌المللی): که به این ترتیب هشت نوع بحران مختلف از دل آن منشعب می‌شود (قلی‌پور و دیگران، ۱۳۸۷: ۴).



نمودار ۱. طبقه‌بندی ماهیت و شعاع فراگیری بحران (قلی‌پور و دیگران، ۱۳۸۷)

فهم مدل‌ها و تقسیم‌بندی‌های مربوط به بحران لازم است، اما کافی به نظر نمی‌رسد؛ زیرا در دنیای امروز، مجرای اصلی فهم و ادراک مردم از واقعیات رسانه‌ها به‌شمار می‌روند. درحقیقت،

رسانه‌ها خود را حد واسط میان پدیده‌ها- واقعیات و مردم قرار می‌دهند و با ایجاد احساس غیر واقعی و مدیریت ادراک و هدایت نگرش‌ها، بر عملکرد و واکنش مخاطبان خود تأثیر می‌گذارند که این فرایند می‌تواند به ایجاد تهدید یا خلق فرصتی از سوی رسانه‌ها بینجامد (ساری، ۱۳۸۵: ۲۴-۲۷).

تأثیرگذاری رسانه‌ها نیز از دو جهت است؛ نخست، رسانه‌ها با تبلیغات و عمق‌بخشی به اصول و خط‌مشی‌هایی که در عرصه سیاست خارجی اتخاذ می‌شود، به‌کارگیری و تداوم آن‌ها را در اذهان مردم مشروع جلوه می‌دهند. دوم، رسانه‌ها با اطلاع‌دادن مواضع و جهت‌گیری‌های مردم، اعم از حمایت یا اعتراضات، در خصوص مسائل سیاست خارجی در تصمیم‌گیری مسئولان دستگاه دیپلماسی تأثیر می‌گذارند و به‌کارگیری یا تداوم اصول و

خط‌مشی‌های اتخاذشده از سوی آنان را تضمین یا رد می‌کنند (صفوی، ۱۳۸۷: ۱۶۶). در هر دو صورت، رسانه‌ها با توجه به قدرتی که در جذب توده مخاطبان و مشارکت در فرایند شکل‌دهی به افکار عمومی دارند، سهم مهمی در بحران‌ها و کشمکش‌های اجتماعی، سیاسی، و بین‌المللی دارند. البته درک عمومی جامعه، واکنش‌های تشدیدکننده و یا ثبات بخش توده‌ها در قبال بحران منحصراً در اختیار رسانه‌ها نیست، اما رسانه‌ها در این زمینه از مهم‌ترین عوامل و بازیگران اجتماعی‌اند (صلواتیان، ۱۳۸۹: ۷۴) که می‌توانند در جهت بحران‌زایی و یا بحران‌زدایی عمل کنند.

۴. تحلیل گفتمان

۱.۴. نگاهی به روش تحلیل گفتمان

برای واژه گفتمان تعاریف متعددی ارائه شده است. این به علت کاربرد این واژه در حوزه‌های گوناگون است، اما به منظور بررسی سرگذشت این واژه از واکاوی ریشه آن ناگزیریم: واژه گفتمان (discourse) که سابقه آن بنا بر برخی منابع، به قرن چهاردهم میلادی باز می‌گردد، از واژه فرانسوی [dis-koor] discourse و لاتین discurs-us به معنی گفت و گو، محاوره، گفتار و از واژه discursum /discurrer به معنی طفره‌رفتن، از سر باز کردن، و تعلل‌ورزیدن گرفته شده است (بشیر، ۱۳۸۹: ۲۲۳). فراتر از بررسی نفس واژه، به نظر عده‌ای از صاحب‌نظران دانش ارتباطات، گفتمان شبیه چیزی است که جامعه‌شناسان آن را «ایدئولوژی» می‌نامند؛ مجموعه‌ای از عبارات یا اعتقادات که معرفت و شناختی را در پی دارد که در خدمت منافع گروه یا طبقه خاصی است و در جهت آن عمل می‌کند (هال، ۱۳۸۲: ۳۸). به طور کلی،

گفتمان اعمال بازنمایی جهت‌دار است و به طور دقیق‌تر خلق واقعیات را در مجموع شامل می‌شود. به این دلیل که نظریات مرتبط با گفتمان استدلال‌های بازنمایی را آن‌قدر قدرت‌مند در شکل‌دهی به جهان در نظر می‌گیرد که گفتمان گاهی به معنای یا به جای ایدئولوژی به کار گرفته می‌شود (Donsbach, 2008: 1389).

دایک با اذعان به این امر که ایدئولوژی‌ها قرینه‌شناختی قدرت هستند، تأکید می‌کند معیار اعتبار ایدئولوژی‌ها صدق آن‌ها نیست، بلکه کارایی اجتماعی آن‌هاست؛ ایدئولوژی‌ها به مردم می‌گویند که «موضع» آن‌ها چیست و در مورد موضوعات اجتماعی چه نظری باید داشته باشند (دایک، ۱۳۸۲: ۱۳۱-۱۳۲).

بنابراین، روش ما در این جا روشی است که بتواند نگرش‌ها، قضاوت‌ها، و نحوه نقل گزاره‌های خبری را، که عمدتاً در قالب جملات معنادار بیان می‌شوند، تحلیل کند تا از طریق روساخت‌های کلامی و زیرساخت‌های دلالتی بتوان به معانی تازه، خطوط فکری ایدئولوژیک، و اهداف ارتباطی کنشی گفتمان پی برد.

در این زمینه، روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پددام) (practical discourse analysis method (PDAM) برای کشف گفتمان مورد استفاده، داده‌ها را در پنج سطح تحلیل می‌کند که عبارت‌اند از سطح - سطح، سطح - عمق، عمق - عمق، سطح - عمیق، و عمیق‌تر (بشیر، ۱۳۹۰: ۱۰).

در «سطح - سطح» یا فوقانی‌ترین لایه متن، ساختار بیرونی و شکل بیان یا نمود گفتمان را می‌توان جست. «عمق - سطح» عمیق‌ترین لایه سطحی متن است و ساختار درونی یا محتوای بیان را دربر دارد. در «سطح - عمق» یعنی فوقانی‌ترین سطح از عمق متن، محتوای مشخص متن قرار دارد. انتخاب حوادث داستانی یا خبری یا موضوعات مطرح‌شده در متن و دلیل این انتخاب در این لایه از متن واقع شده است. در نهایت، در آخرین یا عمیق‌ترین لایه یک متن ساختارهای کلان واقع شده است. محتوای گفتمان، نقش و کارکرد اجتماعی متن، نقش آن در فرهنگ و دانش اجتماعی - فرهنگی مخاطب، و سرانجام ساختارهای فرهنگی، اجتماعی، و حتی تاریخی از ساختارهای کلانی‌اند که شکل‌دهنده این عمیق‌ترین لایه متن یعنی «عمق - عمق» محسوب می‌شوند (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۲۵).

در روش مذکور سه مرحله سطح - سطح، عمق - سطح، و سطح - عمق به شکل سه محور اساسی مطرح شده‌اند. ۱. برداشت از اصل متن، ۲. جهت‌گیری و گرایش متن، ۳. تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن (بشیر، ۱۳۸۵). مرحله عمق - عمق نیز در این شیوه شامل دو مرحله است. مرحله عمیق و مرحله عمیق‌تر که اولی برای مرحله تقریباً کلان عمق - عمق و دومی برای مرحله کاملاً کلان متکی بر ساختارها و اطلاعات مرتبط فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، دینی، و تاریخی طراحی شده است (بشیر، ۱۳۹۰).

۲,۴ تحلیل گفتمان نشریات

در این مقاله، نشریات عرب‌زبان منطقه خاورمیانه از تاریخ یکم اسفند ۱۳۸۹ (هفتم مارس ۲۰۱۱) لغایت هجدهم خرداد ۱۳۹۰ (هشتم ژوئن ۲۰۱۱) به منظور جامعه آماری انتخاب شدند. از این میان، هشت نشریه در جایگاه نمونه آماری در دسترس بررسی شدند و از

میان آن‌ها، تحلیل‌ها و اخباری انتخاب شد که درباره بحرین بود. سپس همه پاراگراف‌ها به‌منزله واحدهای معنادار و کوچک‌ترین واحد تحلیل گفتمانی از متن اصلی جدا شدند و به‌همراه اطلاعاتی چون نام نشریه، تاریخ انتشار، تیترا مقاله، و نام نویسنده، در صورت ذکر آن، در جدول تحلیل نوشته شد که درنهایت، مجموع هجده پاراگراف از همه نمونه‌ها به‌دست آمد. نشریات نمونه‌گیری‌شده، به ترتیب اسامی، تفکیک کشور انتشاردهنده و نیز رابطه و نسبت آن با حکومت بدین قرارند:

۱. *الجزیة* (کویت): دیپلماسی رسانه‌ای آن در راستای سیاست‌های دولتی.
 ۲. *اخبار الخلیج* (بحرین): نزدیک به مسئولان دولتی و بهره‌مند از کمک مالی دولت (مشیخی، ۱۳۸۹: ۲۷۱-۲۷۲).
 ۳. *الخلیج* (امارات متحده عربی): این روزنامه از آغاز معروف به ملی‌گرایی بود (همان: ۱۸۵)، ولی دیپلماسی رسانه‌ای آن متأثر از سیاست‌های دولت در قبال بحرین است.
 ۴. *السیاسة* (کویت): حرکت بر خلاف جریان اصلی در کشور کویت، ارتباط با عربستان سعودی (همان: ۴۶۴) و هم‌سوایی با اسرائیل (صایات و عبدالعظیم، ۲۰۰۱: ۳۱۹).
 ۵. *الوطن* (قطر): قدیمی‌ترین روزنامه عربی قطر که رئیس هیئت مدیره آن حمد بن سحیم آل ثانی، وزیر پیشین ارتباطات، در قطر بود. هدف *الوطن* شناساندن سیاست‌های دولت قطر پس از تحولات سیاسی و رسانه‌ای دهه ۱۹۹۰م است (مشیخی، ۱۳۸۹: ۴۰۵).
 ۶. *الوطن* (کویت): مستقل سیاسی، دارای موضع تند و سخت در قبال دولت (همان: ۴۶۶)، اما به رغم این استقلال دیدگاه‌های متفاوتی در مورد بحرین داشته است.
 ۷. *الاتحاد* (امارات متحده).
 ۸. *الرأیة* (قطر).
- لازم به یادآوری است که در دو نشریه آخر، یعنی *الاتحاد* و *الرأیة*، مطلبی درباره موضوع بحرین، در مدت تعیین‌شده، یافت نشد.

۱,۲,۴ تحلیل گفتمان یادداشت‌های نشریات مختلف بر پایه سه مرحله اول تا سوم

جمع‌بندی سه مرحله اول برای سطح — سطح (برداشت از اصل متن)، عمق — سطح (جهت‌گیری و گرایش متن)، و نیز سطح — عمق (تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن) در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱. جمع‌بندی سه مرحله اول تحلیل گفتمان نشریات عربی‌زبان منطقه خاورمیانه در زمان تعیین شده

ردیف	نشریه (محل انتشار) تاریخ	عنوان مقاله	برداشت از متن اصلی	جهت‌گیری و گرایش متن	تحلیل توجیهی با توجه به سایر گرایش‌های متن
۱	العریبة (کویت) ۷ مارس ۲۰۱۱ نویسنده:؟؟	آیا ایران برنده بزرگ است؟	بزرگ‌ترین ضربه زمانی است که نظام بحرین جای خود را به دولتی شیعی و تحت تأثیر سیاست‌مدار تندرو «حسن مشیمع» بدهد، ولی علتی برای این تفکر که اتفاقی مشابه ممکن است از میزان وابستگی کشور پادشاهی سعودی و بحرین به غرب بکاهد، یا این‌که بحرین آلت دست ایران قرار گیرد، وجود ندارد.	القای خطر به قدرت رسیدن شیعه در بحرین.	قدرت‌یافتن شیعه در بحرین باعث خواهد شد تا این کشور آلت دست ایران واقع شود.
۲	اخبار الخلیج (بحرین) ۲۹ مارس ۲۰۱۱ نویسنده: حسن الاسود	معادله رقابت امریکایی-ایرانی خلیج [فارس] را به کجا خواهد کشاند؟	اتفاقات بحرین نشان از توطئه دارد؛ زیرا کسی که از دخالت ایران در وضعیت عراق پس از خروج ارتش آن کشور از کویت و از نفوذ ایران از طریق بصره و ناصریه خبر داشته باشد می‌تواند تشخیص دهد که بر بحرین چه گذشته است.	بحران کنونی بحرین توطئه‌ای ایرانی است.	القای این‌که ایران با دخالت‌های خود منطقه را ناامن می‌کند.
۳	" "	" "	ایران به شدت تلاش می‌کند هرگونه فعالیت برای پایان‌دادن به مسائل شیعیان در کشورهای عربی را با مانع مواجه سازد؛ زیرا می‌خواهد شیعیان کشورهای عربی همیشه در چهارچوب سیاست‌هایش قرار داشته باشند. به همین دلیل است که شاهدیم با هرگونه تلاش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای که در خدمت منافع شیعیان کشورهای عرب قرار گیرد مخالفت می‌کند.	تلاش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای کشورهای عربی در خدمت منافع شیعیان کشورهای عربی است. اما ایران به منظور تداوم سلطه خویش بر شیعیان مانعی در جهت این تلاش‌هاست.	نظام بین‌المللی و کشورهای سنی‌مذهب منطقه تأمین‌کننده منافع شیعیان‌اند. ایران به شیعیان نگاهی ابزاری برای منافع خود دارد.

<p>ایران عامل ایجاد بحران در منطقه است.</p>	<p>ایران توسط رسانه‌ها و سیاست‌های خود از مسئله بحرین به نفع خود بهره‌برداری می‌کند.</p>	<p>تحرک و فعالیت در بحرین توسط مراکز شبه‌براندگیز برنامه‌ریزی شد و ایران از طریق مراکز سیاسی رسانه‌ای منطقه‌ای خود آن را با محاسبه‌های سیاسی خود متناسب گردانید، لذا منطقه خلیج [فارس] وارد مرحله بسیار پیچیده و خطرناک ژئو سیاسی شده است.</p>	<p>"</p>	<p>"</p>	<p>۴</p>
<p>ایران عامل ایجاد بحران و تنش‌زایی در منطقه است.</p>	<p>ایران از مسئله بحرین به نفع خود بهره‌برداری می‌کند.</p>	<p>اظهارات ایران و وعده‌های داده‌شده در بحران بحرین عامل اصلی تنش‌افزایی بوده که هدف اصلی تعمیق و پیچیده‌ساختن بحران و قراردادنش در جهت خدمت به سیاست‌های ایران است، به عقیده ما نیروهای امنیتی بحرین خود می‌توانند به حل قضایای داخلی همت گمارند.</p>	<p>"</p>	<p>"</p>	<p>۵</p>
<p>بحران کشورهایی از جمله بحرین و اعتراضات مردمی معلول قدرت‌های خارجی و بیگانه است.</p>	<p>ایران و آمریکا بر سر منافع خود منطقه خلیج فارس را به محل منازعات خود تبدیل کرده‌اند.</p>	<p>ما بر این باوریم که منطقه خلیج [فارس] مانند وضعیت عراق عملاً وارد معادله رقابت امریکایی - ایرانی شده است.</p>	<p>"</p>	<p>"</p>	<p>۶</p>
<p>اندیشمندان باید بدانند که رقابت نیروهای خارجی باعث بحران بحرین است و با تکیه بر ناسیونالیسم عربی مشکل حل خواهد شد.</p>	<p>اعتراضات مردمی بحرین فتنه‌ای نشئت‌گرفته از قدرت‌های خارجی است. در برابر این قدرت‌های خارجی باید اندیشمندان منطقی پیشه کنند که همراه با ملی‌گرایی باشد.</p>	<p>ما از مخالفان اندیشمند می‌خواهیم که در ارزیابی وضعیت بحرین، با توجه به رقابت موجود میان نیروهای قدرت‌مند خارجی، منطق و ملی‌گرایی را پیشه کنند و از خداوند بزرگ خواستاریم که خلیج [فارس] و عربیت و مشایخ را از عواقب فتنه در امان دارد.</p>	<p>"</p>	<p>"</p>	<p>۷</p>

<p>ایران به دنبال منافع خویش در منطقه است.</p>	<p>ایران در مورد قیام مردم بحرین و سوریه با بحران مصداقیت رویه‌روست.</p>	<p>ایران در رویکرد سیاسی‌اش با «بحران مصداقیت» مواجه است و دلیل آن حمایت از اعتراضات بحرین و محکومیت اعتراضات مردمی سوریه است.</p>	<p>سیاست دوگانه ایران</p>	<p>الخلیج (امارات) ۱۶ آوریل ۲۰۱۱ نویسنده: محمد السعید ادريس</p>	<p>۸</p>
<p>ایران تهدیدی واقعی برای کشورهای منطقه است.</p>	<p>ایران تحت پوشش حمایت از شیعیان، در بی‌اشغال جزایر کشورهای عربی خلیج فارس هم‌چون کویت است.</p>	<p>منابع امنیتی خلیجی از توطئه ایرانی علیه تمامی کشورهای حوزه خلیج [فارس] و نه فقط کشور پادشاهی بحرین پرده برداشتند و گفتند: «فصل مهمی از این طرح متوجه کشور کویت است و اصولاً هدف اشغال برخی جزایر کویتی در چهارچوب دخالت دریایی ایران تحت پوشش حمایت از شیعیان بحرین می‌گنجد».</p>	<p>ایران برای اشغال جزایر کویتی طرح‌ریزی کرد!</p>	<p>السیاسة (کویت) ۴ آوریل ۲۰۱۱ نویسنده: احمد جارالله</p>	<p>۹</p>
<p>ایران تهدیدی برای منطقه است و در بی‌اشغال‌گری است.</p>	<p>ایران در بحرین دست به خراب‌کاری زده تا وجهه آل خلیفه را خدشه‌دار کند تا حمایت سایر گروه‌ها را کسب کند و از این طریق جزایر را اشغال کند.</p>	<p>ایران با کشته‌سازی ساختگی و شیعه معرفی کردن آن‌ها در بی‌تخریب وجه آل خلیفه و جذب «برامکة جدید» برآمده تا در نتیجه، نیروهای سپاه ایران بلافاصله با محاصره دریایی کشورهای پادشاهی و کشورهای حوزه خلیج [فارس] برخی جزایر را برای تحمیل امر واقع جدید بر منطقه اشغال کنند.</p>	<p>"</p>	<p>"</p>	<p>۱۰</p>
<p>سپر جزیره عاملی بازدارنده در جهت تهدیدات مداخله‌جویانه ایران است.</p>	<p>نیروهای سپر جزیره پس از تفهیم شرایط توسط بحرین به اروپا و سازمان‌های حقوق بشری وارد بحرین شدند و اقدام آن‌ها مشروع بوده است.</p>	<p>منابع همچنین گفتند: «این طرح زمانی شکست خورد که رهبران سیاسی بحرینی حقایق را فراروی تمامی کشورهای قدرت‌مند اتحادیه اروپا و سازمان‌های حقوق بشر قرار دادند، و سرانجام بحرین پس از تفهیم شرایط خود از نیروهای سپر جزیره برای محافظت از کشور پادشاهی در برابر دخالت فارسی کمک گرفت».</p>	<p>"</p>	<p>"</p>	<p>۱۱</p>

۳۶ بازنمایی و مدیریت رسانه‌های بحران در بحرین: ...

<p>ایرانیان مقیم بحرین عوامل ایران برای ایجاد بحران هستند.</p>	<p>نیروهای کارگری ایرانی بحرین عامل هرج و مرج‌اند که باید این نیروها کاهش یابند.</p>	<p>منابع تأکید کردند که «رویکرد کنونی کشورهای عضو «شورای همکاری» کاهش نیروهای کارگری ایرانی است؛ زیرا این عده در بحرین از طریق تعطیل کردن فروشگاه‌هایشان و خودداری از توزیع مواد غذایی بین مردم در راستای طرح توطئه سعی کردند که دولت بحرین را تحت فشار بگذارند».</p>	<p>"</p>	<p>"</p>	<p>۱۲</p>
<p>ایران عامل خارجی بروز بحران بحرین است.</p>	<p>ایرانیان وابسته به حکومت ایران و ساکن بحرین از عوامل ایجاد انقلاب بحرین‌اند.</p>	<p>حدود ۲ هزار نفر مظنون به عضویت در سپاه پاسداران ایران از راه‌های غیرقانونی وارد کشورهای حوزه خلیج [فارس] شدند، بی‌آن‌که دستگاه‌های امنیتی این کشورها از این قضیه آگاه شوند.</p>	<p>"</p>	<p>"</p>	<p>۱۳</p>
<p>ایران عامل بروز بحران در منطقه خلیج فارس است.</p>	<p>دیپلمات‌های سفارت ایران به دخالت در امور داخلی کشورهای منطقه می‌پردازند.</p>	<p>دستگاه‌های امنیتی این کشورها متوجه دخالت عناصر اطلاعاتی ارشد ایران در این کشورها تحت پوشش مصونیت دیپلماتیک شده‌اند.</p>	<p>"</p>	<p>"</p>	<p>۱۴</p>
<p>انقلاب‌های عربی تهدیدی برای سایر کشورهای عربی منطقه بوده و نیروهای سپر جزیره عامل مدیریت بحران‌اند.</p>	<p>دخالت کشورهای عربی در مسئله بحرین از ترس تزلزل در خود این کشورهاست.</p>	<p>ابتدا ترکش انقلاب‌های عربی به بحرین و عمان اصابت کرد و دیگر کشورهای خلیجی که از این تحولات دچار بیم و هراس شده بودند، در حمایت معنوی و سیاسی و نظامی از بحرین و عمان درنگ نکردند.</p>	<p>کشورهای عضو شورای همکاری خلیج [فارس] و چالش‌های منطقه‌ای</p>	<p>الوطن (قطر) ۱۳ آوریل ۲۰۱۱ نویسنده: عبدالله خلیفه الشایجی</p>	<p>۱۵</p>
<p>ایران تهدیدی برای منطقه است.</p>	<p>دخالت‌های ایران و موضوع هسته‌ای این کشور منطقه را تهدید می‌کند.</p>	<p>از زمان دخالت ایران در امور بحرین، بحرین از نیروهای سپر جزیره خواست که مسائل را به روند طبیعی خود بازگرداند. البته تهدید ایران فقط به بحرین ختم نمی‌شود، بلکه سونامی ژاپن و نشست مواد هسته‌ای از نیروگاه «فوکوشیما» دل‌شوره ما را در منطقه از خطرات ناشی از نشست مواد هسته‌ای نیروگاه بوشهر که به پایتخت‌های خلیجی بیش‌تر نزدیک است برمی‌انگیزد.</p>	<p>"</p>	<p>"</p>	<p>۱۶</p>

<p>ایران تهدیدی برای همه کشورهای خلیج فارس است.</p>	<p>ایران متهم به جاسوسی در کویت و دخالت در بحرین است.</p>	<p>پس از شناسایی هسته‌های جاسوسی در کویت و صدور احکام قضایی در مورد آن‌ها و از اظهارات ایران در مخالفت با دخالت نیروهای «سپر جزیره» در بحرین، کشورهای حوزه خلیج عربی [فارس] به منظور بررسی راه‌های برخورد با ایران نشست‌های متعددی را برگزار کردند.</p>	<p>خلیج [فارس] و ایران</p>	<p>الوطن (کویت) ۲۴ آوریل ۲۰۱۱ نویسنده: شمالان یوسف العیسی</p>	<p>۱۷</p>
<p>انقلاب‌های کشورهای عربی نتیجه دخالت‌های ایران و در پاسخ به تحریم‌های امریکاست و نه نتیجه اعتراضات مردم.</p>	<p>دشمنی امریکا و متحدان عربی منطقه در قبال ایران</p>	<p>دومین تحول تشدید تحریم‌هایی است که امریکا و شورای امنیت با مشارکت بین‌المللی و عربی علیه ایران اعمال می‌کنند و انقلاب ایران نیز در پاسخ به این امر تصمیمات مهمی از جمله دخالت در ناآرامی‌های سیاسی و امنیتی در منطقه اعم از عراق، لبنان، بحرین، یمن، و حمایت از نظام سوریه در برابر ملت خود اتخاذ کرد.</p>	<p>"</p>	<p>"</p>	<p>۱۸</p>

۲،۲،۴ تحلیل گفتمان نشریات مزبور بر پایه دو مرحله چهارم و پنجم

این مرحله شامل تحلیل عمق - عمق در دو سطح عمیق و عمیق‌تر خواهد بود. جدول ۲ محورهای اساسی تحلیل مربوط به سطح عمیق را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، محورهای عمیق به دست آمده از سومین مرحله تحلیل گفتمانی (تحلیل با توجه به سایر گرایش‌های متن) در یک کلیت فراتر از مرحله توجیهی مورد استنباط قرار گرفته و تحت عناوین کلی تری تدوین شده است که در این جا این عناوین در ده مقوله زیر دسته‌بندی می‌شوند.

جدول ۲. جمع‌بندی مرحله عمیق تحلیل گفتمان نشریات عربی خاورمیانه در زمان تعیین شده

فراوانی تأکیدات	محورهای مورد تأکید	ردیف
<p>۱. بحران کشورهای از جمله بحرین و اعتراضات مردمی معلول قدرت‌های خارجی و بیگانه است (خلیج، بحرین).</p>	<p>بحران بحرین ناشی از عوامل خارجی است.</p>	<p>۱</p>

<p>۲. اندیشمندان باید بدانند که رقابت نیروهای خارجی باعث بحران بحرین است و با تکیه بر عربیت مشکل حل خواهد شد (همان).</p>		
<p>۱. ایران با دخالت‌های خود منطقه را ناامن می‌کند (همان). ۲. ایران عامل ایجاد بحران در منطقه است (همان). ۳. ایران عامل ایجاد بحران و تعمیق آن و تنش‌زایی در منطقه است (همان). ۴. ایران به دنبال منافع خویش در منطقه است (الخلیج، امارات). ۵. ایران تهدیدی واقعی برای کشورهای منطقه است (السیاسة، کویت). ۶. ایران تهدیدی برای منطقه است و در پی اشغال‌گری (همان). ۷. ایران تهدیدی برای منطقه است (الوطن، قطر). ۸. ایران تهدیدی برای همه کشورهای خلیج فارس است (الوطن، کویت). ۹. انقلاب‌های کشورهای عربی نتیجه دخالت‌های ایران و در پاسخ به تحریم‌های امریکاست و نه نتیجه اعتراضات مردم (همان).</p>	<p>ایران عامل بروز و تداوم بحران و تهدیدی در منطقه است.</p>	<p>۲</p>
<p>۱. ایرانیان مقیم بحرین عامل بحران‌اند (السیاسة، کویت). ۲. ایران عامل خارجی بروز بحران بحرین است (همان).</p>	<p>ایران عامل خارجی بروز بحران یا منتفع از بحران در بحرین است.</p>	<p>۳</p>
<p>۱. قدرت‌یافتن شیعه در بحرین باعث خواهد شد تا این کشور آلت دست ایران واقع شود (الجزیة، کویت).</p>	<p>ایران/ تشیع در پی انتفاع از بحران بحرین هستند.</p>	<p>۴</p>
<p>۱. نظام بین‌المللی و کشورهای سنی‌مذهب منطقه تأمین‌کننده منافع شیعیان‌اند (الخلیج، بحرین). ۲. ایران به شیعیان نگاهی ابزاری برای منافع خود دارد (همان). ۳. اندیشمندان باید بدانند که رقابت نیروهای خارجی باعث بحران بحرین است و با تکیه بر ناسیونالیسم عربی مشکل حل خواهد شد (همان). ۴. سپر جزیره عاملی بازدارنده در جهت تهدیدات مداخله‌جویانه ایران است (السیاسة، کویت). ۵. انقلاب‌های عربی تهدیدی برای سایر کشورهای عربی منطقه بوده و نیروهای سپر جزیره عامل مدیریت بحران‌اند (الوطن، قطر). ۶. قدرت‌یافتن شیعه در بحرین باعث خواهد شد تا این کشور آلت دست ایران واقع شود (الجزیة، کویت).</p>	<p>مدیریت بحران: جهت‌گیری‌های ممکن</p>	<p>۵</p>

۳,۲,۴ تحلیل عمیق‌تر محورهای مورد تأکید نشریات

تحلیل عمیق‌تر تحلیل گفتمان نشریات در مدت تعیین‌شده به طور عمده بر دو محور اساسی استوار است:

الف) معرفی ایران و حاکمیت شیعی آن به عنوان عامل بروز بحران در بحرین و در منطقه: در ردیف نخست، منشأ بحران خارجی معرفی شده است، اما نشریات مورد بررسی

عامل بحران را دقیقاً تعیین نکرده‌اند، بنابراین در قبال کشور خاصی جهت‌گیری ندارد، اما ردیف‌های دوم تا چهارم ایران و حکومت شیعی ایران را مستقیم عامل بحران معرفی می‌کنند. به این ترتیب، اهمیت تهدید ایران در سطح منطقه با بیش‌ترین تأکید، یعنی نه مورد، و اهمیت تهدید ایران در سطح کشور بحرین، با سه مورد تأکید، حکایت از هم‌سویی و هماهنگی نشریات مورد بررسی به منظور معرفی ایران به عنوان عامل خارجی بحران نه فقط در سطح کشور بحرین بلکه در سطح منطقه دارد.

در این میان دو نشریه *الاتحاد* امارات متحده و *الرأیة* قطر نیز راهبرد انفعالی (inactive) (روشندل اربطانی، ۱۳۸۷) را در پیش گرفتند و به سکوت درباره بحران در بحرین اکتفا کردند.

ب) راه‌های پیشنهادی نشریات برای خروج از بحران در بحرین: در مجموع چهار نشریه در شش مورد از تحلیل‌های خود مواردی را به طور مستقیم (موارد ۳، ۴، و ۵ از ردیف شماره ۱۰) و مواردی را تلویحاً (موارد ۱، ۲، و ۶ از ردیف شماره ۱۰) به منظور مهار و برون‌رفت از بحران ارائه کرده‌اند که در آن مواردی چون تقسیم‌بندی مذهبی شیعه و سنی، وجود ایران به عنوان عامل ذی‌نفع از بحران، نگاه ابزاری ایران به شیعیان بحرین، تأکید بر عربیت، و نیز وجود نیروهای سپر جزیره به عنوان عامل مهار بحران ذکر شده است که دسته‌بندی ذیل موارد تأکیدشده برای مدیریت بحران را به‌خوبی نشان می‌دهد:

اول: مذهبی قلمدادکردن بحران: تفکیک میان شیعه و سنی.

دوم: جداکردن شیعیان از ایران: با این تحلیل که ایران به شیعیان در دیگر مناطق همچون بحرین نگاهی ابزاری دارد و از آن‌ها در جهت منافع خود استفاده می‌کند.

سوم: تأکید بر لزوم هماهنگی مواضع کشورهای منطقه در قبال انقلاب‌ها به عنوان عوامل تهدیدکننده: مشروع جلوه‌دادن نیروهای سپر جزیره و ارائه یک تهدید خارجی جدی (ایران) برای جلب نظر حکومت‌های عربی منطقه در قبال تهدیدات خارجی و لزوم تأکید بر ناسیونالیسم عربی به عنوان عامل وحدت‌بخش کشورهای منطقه.

۵. نتیجه‌گیری

مقاله پیش رو پس از بررسی یادداشت‌های تحلیلی هشت نشریه عربی‌زبان حاشیه خلیج فارس در مدت زمان تعیین‌شده نشان می‌دهد که این نشریه‌ها از طریق پوشش خبری

و نیز تحلیل‌های خود در مجموع دو رویکرد فوق، یعنی مقابله با جمهوری اسلامی ایران و تلاش جهت مدیریت بحران، را در پیش گرفتند که راهبردهای اتخاذشده و نیز نحوه بازنمایی آن‌ها دقیق‌تر بدین قرارند:

الف) راهبردهای اتخاذشده: نشریات مورد بررسی ترکیبی از دو راهبرد واکنشی (reactive) و فعال (active) (روشندل اربطانی، ۱۳۸۷) را در پیش گرفتند. بدین ترتیب که در ارائه اخبار و اطلاعات به صورت گزینشی عمل کرده‌اند، اما در عین حال تدابیر لازم برای جلب مشارکت و همراهی عمومی و نیز ایجاد هم‌بستگی میان حکومت‌های سنی مذهب خاورمیانه را اندیشیده‌اند. تحلیل‌هایی که ایران و مذهب شیعه را تنها عامل خارجی در شکل‌گیری بحران مقصر جلوه می‌دهد، حکایت از تلاش آن‌ها در جهت کنترل، مهار، و منحرف کردن بحران دارد.

ب) نحوه بازنمایی عامل اصلی بحران در بحرین: برای تبیین بهتر این موضوع، طبق یافته‌ها ناچاریم شاخه‌ای به تقسیم‌بندی قلی‌پور و همکاران او (نمودار ۱) اضافه کنیم؛ بدین ترتیب که در مورد بحران بحرین نشریات کشورهای عرب‌زبان خاورمیانه حیطه بحران داخلی بحرین را نه فقط ملی، بلکه فراملی (عربستان - بحرین) بازنمایی کرده‌اند که طبق تأکید این نشریات حیطه فراملی به منطقه نیز تعمیم پیدا کرده است. این امر می‌تواند به منظور مهم جلوه‌دادن بحران و یا حتی ایجاد حس خطر و تهدید برای سایر کشورهای منطقه به‌خصوص کشورهای حاشیه خلیج فارس به منظور همراهی بیشتر با حکومت سعودی و بحرینی باشد. لذا همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، تلاش نشریات در جهت خارجی جلوه‌دادن بحران بود که شعاع آن نه فقط بحرین، بلکه کشورهای منطقه را دربر می‌گرفت و ایران عامل بحران‌آفرین معرفی شده است. درحقیقت، این نشریات همه کشورهای منطقه خلیج فارس را «خودی مورد تهدید» و ایران را «دیگری بحران‌آفرین» بازنمایی کرده‌اند.

ج) نحوه بازنمایی نوع بحران در بحرین (هویت / مشروعیت): آنچه از بررسی نشریات مورد مطالعه به دست آمده، حاکی از آن است که بحران بحرین ناشی از بحران هویت است و نه مشروعیت، چراکه در این صورت می‌بایست این را نیز بپذیریم که مردم بحرین در پی انتخاب‌گری و بالطبع جایگزینی حکومتی غیر از حکومت فعلی هستند و دقیقاً به همین دلیل است که بحران بحرین از دید نشریات مورد بررسی از نوع بحران هویتی آن هم هویت فراملی و وابسته به بیگانه، یعنی ایران، بازنمایی شده است. بنابراین، از

آنجا که این بحران بحرانی هویتی است، حکومت آل خلیفه حاکمیت مشروع بحرین است که به سرکوب این بحران ذی حق شمرده شده و دخالت خارجی منوط به تأییدشدن و یا تأییدنشدن این حکومت است. جدول ۳ جمع‌بندی مذکور را در قالب فرایند مدیریت رسانه‌ای بحران و بازنمایی آن نشان می‌دهد:

جدول ۳. فرایند بازنمایی بحران بحرین از طریق مدیریت رسانه‌ای نشریات عربی‌زبان خاورمیانه

تصویر بازنمایی	نحوه مدیریت رسانه‌ای بحران		تصویر واقعی	
	راهبردها	سیاست‌ها		
				ثبات
خارجی - منطقه‌ای (حکومت شیعی ایران)	سلبی: ایران در پی منافع خویش و شیعیان ابزار ایران ایجابی: نظام بین‌الملل و کشورهای عربی منطقه در پی تأمین منافع شیعیان	۱. معرفی شیعیان وابسته به ایران به عنوان منشأ بحران ۲. انقطاع شیعیان از ایران	داخلی - ملی (حکومت آل خلیفه)	عامل بحران‌زا
هویت فراملی	دامن‌زدن به تمایزات مذهبی؛ شیعه و غیر شیعه	مذهبی قلمدادکردن بحران	مشروعیت	نوع بحران
تثبیت: اتحاد دولت‌های عربی منطقه در برابر ایران	ایجاد وحدت: تأکید بر عربیت عینیت وحدت: توجیه مشروعیت نیروهای سپر جزیره تداوم وحدت: القای ایران به عنوان دشمن مشترک	هماهنگی مواضع کشورهای عربی منطقه	تغییر: تبدیل حکومت آل خلیفه برای رسیدن به حکومتی مردمی	حل بحران
				ثبات

این جدول تبیین‌کننده نسبت میان بحران و رسانه در موضوع بحرین است؛ ردیف عمودی جدول سیر وقوع بحران قبل از آغاز تا پس از وقوع آن را ترسیم می‌کند و ردیف افقی جدول فرایند بازنمایی و مدیریت رسانه‌ای را تبیین می‌کند.

مزیت جدول ۳ درک کلی فرایند بازنمایی و مدیریت رسانه‌ای بحران در یک نگاه است که این امر ما را در رسیدن به یک مدل عام و درخور تعمیم رهنمون می‌کند و می‌تواند برای تحلیل مدیریت رسانه‌ای در بحران‌های سیاسی - اجتماعی به کار گرفته شود.

مدلی که به علت قابلیت تکرارپذیری در آن «ابتدا روش‌ها و طرح‌های تحقیق برای حذف نتایج مختص طرح تغییر یافتند. به همین ترتیب، افراد مورد بررسی با انواع ویژگی‌هایشان از زاویه‌های متعدد بررسی شدند تا نتایج مختص نمونه حذف شوند» (ویمر، ۱۳۸۴: ۶۸)، که در نهایت روایی بیرونی مدل افزایش یابد و به‌مثابه یک فرمول برای پیش‌بینی و اطلاع از نحوه عملکرد احتمالی رسانه‌های جمعی در شرایط بحرانی تلقی شود (← مدل نهایی).

۶. مدل نهایی

این مدل نشان می‌دهد که چگونه رسانه‌ها از طریق سیاست‌ها و راهکارهایی عینی و عملی بحران موجود در جهان خارج، یعنی «تصویر واقعی»، را به بحرانی بازنمایی شده، یعنی «تصویر بازنمایی»، تبدیل می‌کنند تا از طریق بازتعریف سه مشخصه اصلی «عامل بحران»، «سطح بحران» و «ماهیت یا نوع بحران» به مدیریت و حل بحران بپردازند.

در این مدل واقعیت مطلوب، که زائیده ثبات و نبود بحران است، وضعیتی عادی و تقریباً پذیرفته شده برای رسانه‌ها تلقی می‌شود. واقعیتی که رسانه‌ها در حالت عادی به دنبال تثبیت آن و یا در شرایط بحرانی به دنبال دستیابی به آن‌اند.

وقتی در جهان واقع شرایط به گونه‌ای بحرانی شود که به مداخله رسانه‌ها بینجامد، رسانه‌های مذکور می‌توانند از طریق بازتعریف در سه شاخصه اصلی «عامل»، «سطح»، و همچنین «ماهیت» بحران به بازنمایی واقعیت بحران در جهان بین‌الادھانی مخاطبان خود نائل آیند. بنابراین، امری بدیهی خواهد بود که مدیریت و حل «تصویر بازنمایی» شده رسانه‌ها بسیار ساده‌تر و کم‌هزینه‌تر خواهد بود تا مدیریت و حل بحرانی که در جهان در حال وقوع است.

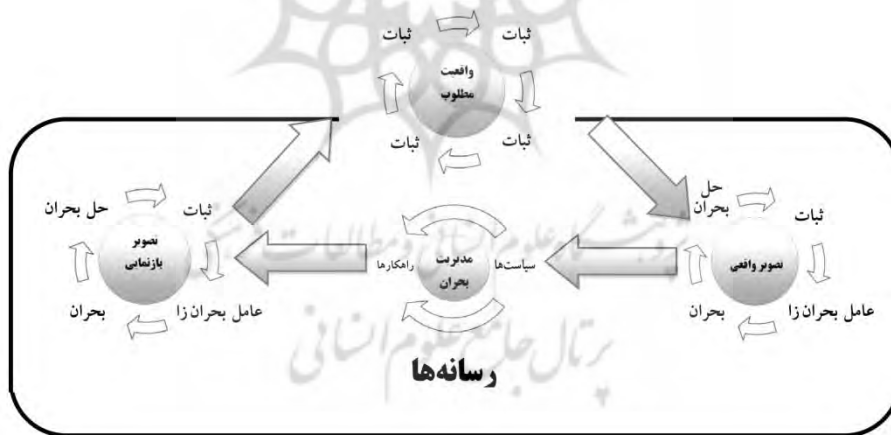
درحقیقت، رسانه‌ها اعمال بازنمایی خود را از طریق در پیش گرفتن سیاست‌ها و نیز ارائه راهکارهایی عینی و عملی در مدیریت بحران انجام می‌دهند. این خدمت بزرگ رسانه، برای نظام‌های حاکم، این امکان را فراهم می‌کند که به جای ایجاد تغییرات سیاسی و انجام دادن اصلاحات واقعی از طریق بازتعریف ماهیت و مشخصات بحران سیاسی ایجاد شده نوعی از بحران مهارشدنی و بی‌خطر را به مردم ارائه دهند تا از طریق راه‌حل‌های کم‌هزینه و متناسب با منافعشان بتوانند به‌سادگی آن را مدیریت و کنترل کنند و در نهایت به ثبات برسند.

مدل نهایی زیر که بر اساس تحلیل‌ها و بررسی‌های حاضر در این مقاله تبیین و ارائه شده است، درحقیقت مدلی است که تعامل حکومت، رسانه، و مردم را به‌منزله سه بازیگر اصلی در بحران‌ها، به‌خصوص بحران‌های سیاسی، به تصویر کشیده است. مدلی که درنهایت «از طریق مدیریت ادراک و تغییر و هدایت نگرش‌ها، بر عملکرد و واکنش مخاطبین خود تأثیر خواهد گذاشت» (نقیب‌السادات، ۱۳۸۷).



مدل نهایی: فرایند مدیریت رسانه‌ای بحران از طریق بازنمایی تصویر واقعیت

۷. پیشنهاد



منابع

- بشیر، حسن (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان: دریچه‌ای برای تحلیل ناگفته‌ها، تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق (ع).
- بشیر، حسن (۱۳۸۹). خبر: تحلیل شبکه‌ای و تحلیل گفتمان، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

- بشیر، حسن (۱۳۹۰). *رسانه‌های بیگانه: قرائتی با تحلیل گفتمان*، تهران: سیما شرق.
- پای، لوسین و دیگران (۱۳۸۰). *بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی*، ترجمه غلامرضا خواجه سروی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دایک، تون ای. ون (۱۳۸۲). *مطالعاتی در تحلیل گفتمان: از دستور متن تا گفتمان‌کاوی انتقادی*، ترجمه تزا میرفخرایی و دیگران، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۸۷). «نقش مدیریت رسانه‌ها در تحول بحران از تهدید به فرصت»، فصل‌نامه علمی پژوهشی *پژوهش‌های ارتباطی*، س ۱۵، ش ۵۵.
- ساری، حسین (۱۳۸۵). *بررسی تهدیدهای رسانه‌ای غرب علیه جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشکده عالی دفاع.
- سدید السلطنه، محمدعلی خان (۱۳۷۰). *تاریخ مسقط و عمان، بحرین و قطر و روابط آن‌ها با ایران*، تهران: دنیای کتاب.
- سیف افجه‌ای، معصومه (۱۳۷۶). *بحرین*، تهران: وزارت امور خارجه.
- شه‌وری، احمد (۱۳۷۵). *دیپلماسی بحران: مطالعه موردی روسیه به ضمیمه جغرافیای بحران در افریقا*، تهران: وزارت امور خارجه.
- صایات، خلیل و جمال عبدالعظیم (۲۰۰۱). *وسایل الاتصال: نشأت‌ها و تطورها*، قاهره: مکتبه الانجلو المصریة.
- صفوی، حمزه (۱۳۸۷). *کالبدشکافی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- صلواتیان، سیاوش (۱۳۸۹). *رسانه‌ها و مدیریت بحران*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- قلی‌پور، آرن، عزت اصغرپور، و طاهر روشندل اربطانی (۱۳۸۷). «وضعیت‌شناسی بحران با رویکرد نظم و امنیت»، فصل‌نامه *امنیت و نظم*، ش ۲.
- کوشکی، محمدصادق و مریم ناظم‌پور (۱۳۸۹). «بررسی چالش‌ها و موانع درونی دموکراسی در خاورمیانه با تأکید بر کشور بحرین»، فصل‌نامه *تحقیقاتی سیاسی و بین‌المللی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا*، ش ۵.
- محمدپور، احمد (۱۳۹۰). *روش تحقیق کیفی ضد روش*، تهران: جامعه‌شناسان.
- مشیحی، محمد بن عوض (۱۳۸۹). *رسانه‌ها در کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس*، ترجمه حسن بشیر، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- مهدی‌زاده، سیدمحمد (۱۳۸۷). *رسانه و بازنمایی*، تهران: دفتر مطالعات رسانه‌ها.
- میرفخرایی، تزا (۱۳۸۳). *فرایند تحلیل گفتمان*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- نقیب‌السادات، سیدرضا (۱۳۸۷). «تهدیدهای رسانه‌ها و مدیریت بحران»، فصل‌نامه علمی پژوهشی *پژوهش‌های ارتباطی*، س ۱۵، ش ۵۵.

نوروزی، نورمحمد و دیگران (۱۳۸۲). *چالش مشروعیت و بازسازی نظم سیاسی در خاورمیانه*، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

ویمر، راجر دی. و جوزف آر. دومینیک (۱۳۸۴). *تحقیق در رسانه‌های جمعی*، ترجمه کاووس سیدامامی، تهران: سروش.

هال، استوارت (۱۳۸۲). «غرب و بقیه: گفتمان و قدرت»، در *دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی: تعامل اجتماعی اندیشه‌ها در اقتصاد سیاسی توسعه*، ترجمه حسین راغفر، تهران: نقش و نگار.

Berridge, Geoff and Alan James (2001). *A Dictionary of Diplomacy*, New York: Palgrave.

Donsbach, Wolfgang (ed.) (2008). *The International Encyclopedia of Communication*, U.S.A. Wiley.

Mitroff, I. and P. Shrivastava (1978). 'Effective Crisis Management', *Academy of Management Executive Journal*, No. 1.

Rithchie, B. W. (2004). 'Chaos, Crises and Disasters: A Strategic Approach to Crisis Management in the Tourism Industry', *Tourism Management*, No.25.

Robert, J. M. (1988). *Decision-Making during International Crisis*, London: Macmillan Press.

Webb, Jen (2009). *Understanding Representation*, London: SAGE.

Williams, D. and A. Oliniranb (2002). 'Crisis Communication in Racial Issues', *Journal of Applied Communication Research*, No. 4.

Williams, P. M. (1979). *Crisis Management: Confrontation and Diplomacy in the Nuclear Age*, London: Martin Robertson Wiley

سایت ابنا www.abna.ir

سایت اندیشه‌سازان روابط بین‌الملل www.irrt.ir/articles

سایت رسمی مقام معظم رهبری <http://farsi.khamenei.ir>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی